

## بررسی و نقد بی‌رونق‌انگاری دین در نگرش هراری

محمد عباسی<sup>۱</sup>، حسن عبدی<sup>۲</sup>

### چکیده

«یووال نوح هراری»، استاد تاریخ دانشگاه عبری اورشلیم است. او با مهم شمردن تأثیر خیالات در زندگی اجتماعی بشر، دین را واقعیتی برساختی معرفی می‌کند که نقش مهمی در زندگی بشر داشته است. به گفته وی، با شروع انقلاب علمی و تمرکز بر اکتشافات علمی، دیگر جایی برای دین باقی نماند؛ تا آنجا که دین به دلیل ماهیت اسطوره‌های و توجیه‌محور خود با نوعی بی‌رونقی مواجه شده است. در این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن ارائه تبیینی منسجم از نظریات پراکنده هراری، گفته‌های وی مورد ارزیابی قرار گرفته و نشان داده شده است که با مراجعه به محتوای درونی دین حق (مانند اسلام) و حتی سیره عملی دین‌داران دانسته می‌شود که چنین دینی هرگز در برابر علم نبوده است. بنابراین آنچه در برابر پیشرفت‌های بشر قرار گرفته است، انحراف در دین بوده نه حقیقت دین.

همچنین با توجه به نقش دین در تأمین بسیاری از نیازهای روانی، معنوی و حتی جهت‌دهی صحیح به دست آوردهای علمی، نمی‌توان کارکردها و نقش فعال دین را انکار کرد. غفلت از همین جنبه‌های دین و به تبع آن، بروز پیامدهای ناگوار در زندگی بشر، موجب گرایش‌های جدیدی به دین در میان بسیاری از دانشمندان شده است.

**واژگان کلیدی:** هراری، انسان خردمند، بی‌رونقی ادیان، علم و دین.

abasi.1371.1@gmail.com

hassanabdi20@yahoo.com

۱. دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

نحوه استناد: عباسی، محمد؛ عبدی، حسن (۱۴۰۳). «بررسی و نقد بی‌رونق‌انگاری دین در نگرش هراری»،

حکمت اسلامی، ۱۱ (۱)، ص ۲۹-۴۹.

## مقدمه

یووال نوح هراری، نویسنده کتاب‌های «انسان خردمند و انسان خداگون»، استاد تاریخ دانشگاه عبری اورشلیم است که در آثار خود از جنبه‌های مختلفی به دین هجمه کرده است. وی که رویکردی دین‌ستیزانه دارد، به شدت توسط همفکران خود حمایت می‌شود و به یکی از چهره‌های تأثیرگذار قرن ۲۱ تبدیل شده است. سخنرانی‌ها و آثار مکتوب او در عرصه جهانی مورد توجه قرار گرفته و توانسته جوایز متعددی را در این مسیر از آن خود کند (Harari, 2021). هراری با خیالی و برساختی دانستن دین، آن را در کنار خرافه‌ها قرار داده است و هر گونه واقعیت را از آن نفی می‌کند. به اعتقاد وی، در دوران معاصر با پیشرفت علم و دستاوردهای علمی، دین اهمیت و موقعیت خود را از دست داده است. هراری در تبیین چرایی بی‌رونقی ادیان عوامی مختلفی را بیان می‌کند که از نظر وی همه آنها به ضعف‌ها و کمبودهای ذاتی خود دین باز می‌گردد. او با برجسته کردن ضعف‌ها و مشکلاتی که در جوامع دینی وجود دارد به تحلیل ریشه آنها می‌پردازد و در نهایت ماهیت خود دین را مقصر اصلی جلوه می‌دهد.

اگر به راستی دین حق مانعی برای پیشرفت‌های علمی باشد باید به استناد متون دینی اثبات شود که دین علم‌آموزی را کنار گذاشته و در مقام عمل نیز علم و دین باهم جمع نشده‌اند. تنها در چنین زمانی است که می‌توان ماهیت دین را در برابر علم معرفی کرد و از بی‌رونقی آن سخن به میان آورد. توجه به این نکته ضروری است که تعریف هراری از دین بسیار سطحی است و یکی از وجوه مغالطات او را باید در تفسیر او از معنا و ماهیت دین دانست. هراری با ارائه تقسیمی سه‌گانه از واقعیت، آن را به امور عینی محسوس، خیالی و بین‌الذهانی محدود می‌داند. در این میان، دین را اسطوره‌ای معرفی می‌کند که دارای ماهیتی بین‌الذهانی است. این گونه امور، حقیقتی غیر از یک باور و ذهنیت مشترک ندارند. در واقع باید آنها را داستان‌هایی دانست که برآمده از قوه خیال انسان‌ها هستند (هراری، ۱۳۹۷/الف، ص ۱۶۶-۱۶۷، ۵۵-۵۸؛ همو، ۱۳۹۷/ب، ص ۲۴۹). او با کنار هم قرار دادن

خرافه و ادیان الهی سعی می‌کند همه ادیان را یکسان معرفی نماید و از خرافای بودن باورهای مانند خدای ژنوس و یا برساختی بودن اموری مانند پول و امپراتوری، ادیان الهی را در همین دسته جای دهد (هراری، ۱۳۹۷/ب، ص ۲۴۸-۲۵۰).

چنین رویکردی از لحاظ مبنایی و بنایی دچار خدشه است که در مقاله دیگری از همین نویسنده مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است (عباسی و سوزنجی، ۱۴۰۱). اجمال سخن آنکه: اولاً انحصار واقعیات عینی در موجودات محسوس، مدعایی بدون دلیل و بلکه دارای ادله‌ای برخلاف است. لذا تبیین صرفاً مکانیکی از بسیاری موجودات (مانند انسان) به بن بست منتهی خواهد شد (ابن‌سینا، ۱۳۷۵، ص ۲۸۸-۲۹۴؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۸، ج ۸، ص ۲۶۰-۲۶۴). ثانیاً درست است که برخی امور حقیقتی غیر از توافق عقلاً ندارند (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۴-۱۲۵)، اما این طور نیست که اگر چیزی مورد قبول همگان و به اصطلاح واقعیتی بین‌الذهانی بود باید لزوماً خیالی و غیر عینی نیز باشد. ای بسا چیزی در ذهنیت مشترک انسان‌ها وجود داشته باشد و در عین حال دارای حقیقت عینی نیز باشد. لذا استدلال اسطوره‌ای دانستن دین، استدلالی مغالطی است و از خلط بین ذهن و عین ناشی شده است. درحالی‌که از بودن چیزی در مقام اثبات (باور مشترک انسان‌ها به دین) خالی بودن آن واقعیت در مقام ثبوت (نفی حقیقت عینی دین) را نمی‌توان نتیجه گرفت.

## ۱. مفاهیم

برای ورود به مباحث این مقاله لازم است ابتدا مقصود خود از دین و رونق را روشن سازیم تا اولاً دانسته شود دین که موضوع و محور اصلی بحث است، چه حقیقتی دارد؟ ثانیاً روشن گردد که از بی رونقی آن چه چیز اراده شده است؟

### ۱-۱. دین

در یک بیان فراگیر، دین مجموعه‌ای از باورها در مورد حقیقت انسان و جهان و مقررات متناسب با آن است که در مسیر زندگی براساس آن عمل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۲۵-۲۷). اما مقصود ما از دین، آن حقیقت نفس‌الامری و معقول‌خدای متعال است که از طریق انبیاء برای بشر بیان شده و تنها با مراجعه به متون و منابع دینی و با تکیه بر روش‌های قابل فهم است، نه آنچه از رفتار مدعیان دین‌داری برداشت می‌شود؛ زیرا محتمل و بلکه محقق است که پیروان ادیان در برخی موارد براساس انگیزه‌ها و نگرش‌های غیر دینی رفتاری از آنها سر بزنند. تفکیک بین این دو حیثیت از آن جهت است که انتقادات هراری عمدتاً ناظر به دین به معنای رفتار پیروان ادیان است، ولی دفاع ما از دین معطوف به حقیقت نفس‌الامری دین است و رفتار دین‌داران تنها تا آن اندازه‌ای که مطابق با این حقیقت باشد قابل دفاع خواهد بود.

## ۱-۲. رونق

مقصود از «رونق» تنها شیوع و فراگیری نیست. هرچه که کمیت و مقدار فراگیری آن چشم‌گیر باشد، لزوماً رونق نخواهد داشت. رونق بار معنایی مثبتی دارد و زمانی اطلاق می‌شود که علاوه بر گستردگی، با نوعی مطلوبیت نیز همراه باشد. بنابراین به مجرد آنکه میلیاردها انسان مسلمان یا مسیحی هستند نمی‌توان از رونق دین سخن گفت. بلکه باید نشان داد که التزام و اعتقاد به دین، قرین است با نوعی اقبال و تأثیرگذاری مثبت در زندگی که موجب پیشرفت و سعادت دین‌داران می‌شود.

## ۲. عوامل بی‌رونقی دین

به گفته هراری، ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که دین رونق خود را از دست داده است و کمتر کسی به آن توجه می‌کند. او در تبیینی که از بی‌رونقی ادیان در زندگی بشر ارائه می‌دهد، عامل اصلی را خود ادیان می‌داند. به این معنا که ماهیت اسطوره‌ای و خیالی ادیان به‌گونه‌ای است که با ارتقاء علمی دانش بشر، نقص‌ها و ضعف‌های ادیان بر ملا شده و بسیاری از حوزه‌های علمی و اجتماعی که قبلاً به ادیان اختصاص داشت از آنها ستانده شده است؛ به‌گونه‌ای که امروز دیگر کارکردی برای ادیان باقی نمانده و دین با بی‌رونقی مواجه گشته است. در ادامه، ادعاهای هراری در مورد عواملی که در نهایت به حاشیه رفتن دین منجر شده را از نظر می‌گذرانیم:

### ۱-۲. ناسازگاری دین با پیشرفت‌های علمی

به گفته هراری، انسان از ۵۰۰ سال پیش به اکتشاف مهمی دست پیدا می‌کند. این اکتشاف چیزی نیست جز کشف «نادانی». انسان با پذیرفتن نادانی خود، قدرت بی‌سابقه‌ای پیدا می‌کند و پس از انقلاب شناختی و انقلاب کشاورزی، انقلابی دیگر در تاریخ تکامل بشر به‌وجود می‌آید که «انقلاب علمی» نام دارد. این انقلاب سه محور اساسی دارد؛ «اعتراف به نادانی»، «جایگاه محوری مشاهده و ریاضیات» و «دستیابی به قدرت‌های جدید» (هراری، ۱۳۹۷/الف، ص ۳۵۰؛ همو، ۱۳۹۷/ب، ص ۳۴۳). دین در این دوران که تا به آن روز مانعی برای پیشرفت‌های علمی بود کنار گذاشته می‌شود و بیش از هر زمان دیگری رونق خود را از دست می‌دهد. در ادامه برخی ادعاهای هراری در مورد ناسازگاری دین با علم را مطرح می‌کنیم:

### ۱-۲-۱. توجیه محوری و توهم همه‌چیز دانی

از نظر هراری، ادیان به جای حل مشکل به توجیه مشکل روی می‌آوردند و حل مشکل را از خداوند می‌خواستند. خشم خداوند دلیل قحطی و بیماری دانسته می‌شد و حل آن نیز در گرو مراسم دعا و

استغاثه به خدا بود. درحالی‌که علت مریضی، وجود ویروس و باکتری است نه خدای خشمگین و اهریمن. درمان آن نیز مراجعه به بیمارستان و مصرف دارو است، نه طلب مغفرت و دعا (هراری، ج ۱۳۹۷، ص ۱۳۷). او معتقد است هرچند این رویکرد، ناشی از یک تفکر غلط است، اما کتاب مقدس آن را ترویج کرده و میلیاردها انسان هنوز به آن باور دارند.

ادیان در گذشته رونق زیادی داشته و در حوزه‌های مختلفی حضور داشتند. تقویم ادیان معین می‌کرد که چه موقعی باید کشاورزی کرد. حتی پزشکی نیز داخل در قلمرو دین بود و بزرگان ادیان شفا می‌دادند. اما امروزه شاهدیم که همه این حوزه‌های انحصاری از دست دین خارج شده است و پزشکان و دانشمندان جای کشیشان را گرفته‌اند. علت آن است که دانشمندان شکست را می‌پذیرند، برای ارتقاء کار خود تلاش می‌کنند و در نتیجه هر روز کارآمدتر می‌شوند. اما از آنجاکه کار کشیشان از اساس توجیه کردن وقایع است، هیچ‌گاه شکست را نمی‌پذیرند و به همین خاطر پیشرفتی هم نخواهند داشت (همان، ص ۱۶۳-۱۶۴). توهم همه چیز دانی، همواره مانعی برای پیشرفت مسلمانان و امپراطوری‌های آسیایی بوده است و آنها تمایلی به اکتشاف و تسخیر از خود نشان نمی‌دادند. هراری تفاوت فتح هند توسط مسلمانان با استعمار هند توسط انگلیس - که با سلطه زیاد و البته قحطی فراگیر مواجه شد - را شاهدهی بر این مدعا می‌شمارد (همو، ۱۳۹۷/الف، ص ۴۰۴-۴۱۷).

## ۲-۱-۲. تمرکز زیاد بر متون دینی

تا قبل از انقلاب علمی، اسطوره‌ها و ادیان ساختگی نقش مهمی در حوزه علم ایفاء می‌کردند. گویا قرار بود همه چیز با مراجعه به سنت و کتاب مقدس شناخته شود. بنابراین دانستن چیزی که کسی از آن اطلاعی ندارد ضروری نمی‌نمود. کشیش به‌عنوان شخصیتی دینی با مراجعه به کتاب مقدس از حقایق عالم مطلع بود. لذا بهترین راه این بود که از او سؤال شود. البته مراجع دینی ادعا نمی‌کردند از همه اتفاقات جهان آگاه هستند. اما بر این باور بودند که هر آنچه در کتاب مقدس نیامده، حتماً امری بی‌اهمیت بوده است. بنابراین دانستن یا ندانستن چنین اموری اساساً چیز مهمی جلوه نمی‌کرد (همان، ص ۳۵۱).

هراری تمایل دارد تمرکز بر دین و سنت را که از نظر او دارای ماهیتی برساختی‌اند، مانعی برای پیشرفت‌های بشر جلوه دهد. او نشان می‌دهد که چطور چینی‌ها باروت را کشف کردند، اما به‌خاطر محبوس بودن در باورهای سنتی خود و پی‌نبردن به ارزش تحقیقات علمی، هرگز نتوانستند از آن به‌عنوان ابزاری برای برتری خود و تسخیر جهان استفاده کنند و تنها با آن ترقه ساختند (همان، ص ۳۶۱-۳۶۷). اما اروپایی‌ها که جهل خود را پذیرفته بودند و برای پژوهش‌های علمی هزینه می‌کردند، توانستند به سرعت بر مناطق مختلف جهان حکومت کنند. درحالی‌که اروپا به سمت

پیشرفت و تکنولوژی جنگی حرکت می‌کرد، کشورهایمانند روسیه موفق شدند خود را به این قافله برسانند، اما ایران و مصر نتوانستند. بی‌شک ساختن ماشین بخار کار سختی نبود. اما تفکر ایرانی‌ها مانعی برای پیشرفت آنها بود و باورهای مورد قبول غرب برای آنها دیر جا می‌افتاد (همان، ص ۳۹۱-۳۹۲ و ۴۰۴).

### ۲-۱-۳. عدم درک صحیح از مسائل امروز بشر

از آنجاکه گروه‌های مذهبی خود را وقف خدا می‌کنند، در نتیجه از فناوری و صنعت که لازمه دنیای جدید است عقب می‌مانند. پیامد تأکید زیاد ادیانی مانند مسیحیت و اسلام بر متون مقدس، عقب‌افتادگی و جاماندگی آنها از پیشرفت و تکنولوژی بوده است؛ زیرا سوالات مربوط به تکنولوژی را نمی‌توان در قرآن و کتاب مقدس یافت و اساساً در قرون وسطی خبری از این موضوعات مستحذنه نبوده و کسی از آنها اطلاع نداشته است تا بخواهد در این باب سخنی گفته باشد (همو، ۱۳۹۷/ب، ص ۴۱۹-۴۲۰). بی‌شک این جاماندگی تبعات نامطلوبی برای ادیان داشته؛ همچنان‌که علت فروپاشی سوسیالیسم نیز جاماندن از فناوری و وفاداری به اندیشه‌های مارکس بود. درحالی‌که تفکرات مارکس مربوط به عصر بخار می‌شد:

«اگر مارکس امروز زنده می‌شد شاید از معدود پیروان باقی‌مانده خود می‌خواست که زمان کمتری برای خواندن کتاب سرمایه او بگذارند و بیشتر به مطالعه اینترنت و ژن‌های انسانی بپردازند.»

به گفته وی، موقعیت اسلام بنیادگرا از این هم بدتر است؛ زیرا هنوز خود را حتی با انقلاب صنعتی نیز هماهنگ نکرده و به همین خاطر است که مذاهب سنتی درک درستی از نیازها و پیشرفت‌های امروزی بشر (مانند هوش مصنوعی، نانو و...) ندارند و نمی‌توانند نقش فعال و خلاقیتی در این عرصه داشته باشند. کارنامه ادیان در دوران اخیر، این مطلب را تأیید می‌کند. لذا اگر پرسیده شود که بزرگ‌ترین کشف ادیان در قرن بیستم چیست، جواب قابل توجهی برای آن نمی‌توان یافت؛ چراکه واقعاً گزینۀ‌ای پیش‌روی ما نیست. فعالیت کلیساها در دوران اخیر فقط حمایتی بوده و همواره نسبت به پیشرفت‌ها و مسائل جدید با اضطراب نظاره‌گر بوده‌اند (همان، ص ۴۲۴-۴۳۰).

### ۲-۲. نداشتن کارکرد و فایده

مسئله انسان‌ها وقتی نسبت به چیزی رغبت نشان می‌دهند که فایده‌ای در آن ببینند و در زندگی آنها کارکرد مناسبی داشته باشد. اما به‌زعم هراری، بشر توانسته بدون دین و تنها با تکیه بر علم بسیاری از مشکلات ریشه‌دار در تاریخ بشر را حل کند. در چنین موقعی دیگر مراجعه به دین توجیهی نخواهد داشت.

## ۲-۲-۱. دست برتر علم در حل مشکلات بشر

از سی صد سال پیش و با گسترش موفقیت‌های علمی، ضعف ادیان بیشتر بر ملا شد. این مسأله زمینه‌ای فراهم کرد تا ادیان طبیعی و انسانی (مانند لیبرالیسم و کمونیسم) به راحتی سر بر آورند و ادیان خداپرست اهمیت خود را از دست بدهند (همو، ۱۳۹۷/الف، ص ۳۱۹). با باور به پیشرفت، دیگر مشکلات و سختی‌ها سرنوشت محتوم بشر و مجازات الهی تلقی نمی‌گردیدند. بلکه بر این نکته تأکید می‌شد که نقش انسان‌ها تعیین نشده است و تنها جهل است که انسان‌ها را محدود کرده است. بنابراین ناگواری‌ها باید به‌عنوان مصائبی برخاسته از جهل بشر نگریسته شود که با ارتقاء علمی می‌توان خود را از آن رهایی بخشید. به‌خاطر چنین باوری بود که در این دوران مشکلاتی مانند طاعون، جنگ و قطعی بدون دخالت خداوند و ملائکه تا حدّ زیادی حل شدند (همان، ص ۳۶۸-۳۷۱؛ همو، ۱۳۹۷/ب، ص ۵۲ و ۷۷ و ۲۸۹ و ۳۲۶).

پیشرفت‌های اقتصادی دوران جدید در اثر باور به توانایی‌های بشر و در مقابل فاصله گرفتن از باورهای دینی و سنتی بود. به گفته هراری، ادیان کبک اقتصاد را بد تقسیم می‌کردند یا قسمتی از آن را به بهشت حواله می‌دادند. به همین خاطر تمایل زیادی برای شکوفایی اقتصادی نبود؛ مضافاً آنکه زهد در ادیان، رابطه خوبی با کسب ثروت نداشت و مردم را از دنیا دور می‌کرد (همو، ۱۳۹۷/ب، ص ۳۲۸-۳۴۰).

به اعتقاد وی، تا قبل از انقلاب علمی همه چیز با اسطوره‌ها تبیین می‌شد و حاصلی در پی نداشت. انبیاء و بزرگان دین نتوانستند به غیر از توجیه قدمی در حل مشکلاتی مانند قحطی، جنگ و فقر بردارند و از این جهت ناکارآمد بودند (همان، ص ۵۵ و ۲۷۸ و ۳۴۲).

## ۲-۲-۲. ضعف حکومت‌های برخاسته از دین

از منظر هراری، در مواردی که مسلمانان، مسیحی‌ها و هندوها توانستند حکومت‌های مذهبی و مطلوب خود را بنا کنند، شاهدیم که دستاورد جدیدی نداشتند و اقتصاد همگی آنها شبیه به هم و برگرفته از اقتصاد رایج جهانی بوده است؛ هرچند در مواردی تلاش شد تا نشان دهند سیاست‌های اقتصادی جدید قابل تطبیق با متون مقدس و قرآن نیز هست. روشن است که در چنین رویکردی، دیگر متون دینی را نباید منبع دانش حقیقی دانست. بلکه آنها نهایتاً به منبع قدرت مطلق تنزل کرده اند (همو، ۱۳۹۷/ج، ص ۱۶۴-۱۶۵). به گفته او:

«حتی افراط‌گرایان اسلامی با وجود همه فانتزی‌های قرون وسطایشان بیشتر در فرهنگ جهانی معاصر ریشه دارند تا در غرب قرن هفتم. آنها بیشتر از بیم‌ها و امیدهای جوانان مدرن جدا افتاده از جامعه تغذیه می‌کنند تا دهقانان و تجار قرون وسطا... اسلام‌گرایان تندرو به یک میزان از مارکس و فوکو تأثیر گرفته‌اند که از محمد ﷺ» (همان، ص ۱۲۲).

نظام سرمایه‌داری و پیشرفت‌های علمی منهای دین در همین دنیا معجزه خود را نشان داده‌اند و توصیه‌های آنها بیش از توصیه‌های حضرت مسیح هماهنگی جهانی آورده است. با این وجود، چه ضرورت و نیازی ایجاب می‌کند که بازار ادیان گرم باشد (همو، ۱۳۹۷/ب، ص ۳۳۸)؟ ادعای هراری آن است که می‌توان بی‌دین بود، بدون آنکه واقعاً بهایی برای این بی‌دینی پرداخته شود.

### ۳. نقد و بررسی

هراری چنین القاء کرده است که ادیان به دلیل همه‌چیز پنداری افراطی، جلوی پیشرفت علمی را گرفته‌اند. به عبارت دیگر، در بستر دینی و اسلامی دست یافتن به قله‌های علمی امکان‌پذیر نیست. حال باید دید که دین نسبت به علم چه رویکردی دارد؟ آیا ادیان و خصوصاً اسلام - که در اینجا بیشتر مورد نظر ما است - مانعی برای پژوهش‌های علمی و دست‌یابی به موفقیت‌های جدید بوده‌اند یا نه؟ برای پاسخ به این پرسش باید در ابتدا با مراجعه به متون اصلی دین، ببینیم رویکرد دین نسبت به علم تجربی و پیشرفت چگونه است. بعد از آنکه اثبات کردیم دین به علم‌آموزی اهتمام فراوان دارد، نمونه‌هایی از پیشرفت‌های علمی دین‌داران را ذکر کنیم و در آخر نشان دهیم که دین‌داری وجوه و کارکردهای متفاوتی در زندگی بشر است که با توجه به آنها سخن از بی‌رونقی دین، ادعایی به دور از واقع است. مضافاً آنکه دین در دوران اخیر توانسته گرایش‌ها و توجهات زیادی را به خود معطوف سازد، لذا پیش‌فرض هراری مبنی بر بی‌رونقی ادیان، خلاف مشاهدات و یافته‌های عینی است.

#### ۳-۱. ترغیب دین به علم

هر چند ادعای هراری در مورد همه ادیان است، اما داعیه ما در این نوشتار تأکید بر حقانیت دین اسلام است. البته ادیان الهی دارای مشترکات متعددی هستند. لذا در ضمن دفع شبهات از دامن اسلام، موضع ادیان دیگر نیز به اندازه مشترکاتی که با اسلام دارند تقویت خواهد شد.

#### ۳-۱-۱. پیشینه تقابل علم و دین

به صورت کلی رابطه علم و دین تا قرون وسطا سازگاری کامل بود. تا آنکه دانشمندی مانند کوپرنیک، کپلر و گالیله با فاصله گرفتن از سؤال «چرایی» - که دین خود را متکفل آن می‌دانستند - «چگونگی» را در کانون توجهات علمی خود قرار داده و در تحقیقات علمی نشان دادند که برخلاف تفکر مسیحی و اندیشه اسکولاستیک (مدرسی)، زمین مرکز عالم نیست. بلکه زمین و ستارگان بر گرد خورشید می‌چرخند (جلالی حسینی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۰-۲۱۶). در این زمان، «کلیسای کاتولیک روم» کشفیات علمی را خلاف تعالیم کتاب مقدس دانست و اجازه نداد نظریه خورشیدمحوری تفسیری واقع‌گرایانه از طبیعت تلقی شود (پترسون، ۱۳۹۸، ص ۳۵۸-۳۵۹). البته بعضی معتقدند کسانی که در

گزارششان کلیسا را مقصر اصلی جلوه می دهند، جانب دارانه قضاوت کرده اند؛ چراکه هیچ یک از آنها (کپرنیک، کپلر و گالیله) شواهد تجربی و مویدات حسی کافی بر درستی نظریه خورشیدمحوری اقامه نکرده بودند. لذا روش کپرنیکی نه اثبات شده بود و نه به غیر از نظم ریاضی ساده تر، مزیت دیگری بر اصول بطلمیوسی داشت (برت، ۱۳۶۹، ص ۲۷-۷۴).

در هر صورت، آنچه گفته شد شروعی بود برای تقابل علم و دین که تا امروز نیز این نبرد پابرجاست و نظریات مختلفی در این خصوص بیان شده است. برخی نظریات رابطه بین علم و دین را تعامل، تداخل و یا تمایز معرفی کرده اند و به نوعی بین علم و دین سازش ایجاد کرده اند. اما هراری را باید از آن دسته مخالفان رادیکال دین دانست که نسبت علم و دین را «تعارض» می داند. به این معنا که هر کدام از علم و دین وقتی در مورد پدیده ای طبیعی صحبت می کنند، نظریه خلاف آن در حوزه دیگر را باطل می داند و بدین طریق بر ناسازگاری علم و دین تأکید می کند. نمونه بارز این تقابل را می توان در مورد نظریه تکامل داروین که به ظاهر در مقابل نظریه خلقت ادیان است ملاحظه کرد (پترسون، ۱۳۹۸، ص ۳۶۱-۳۶۶).

### ۳-۱-۲. عدم انحصار طلبی اسلام در تفسیر طبیعت

ناسازگاری علم و دین از آنجا شروع می شود که دین تفسیر واقعیت را حق انحصاری خود بدانند و با تأکید بر آموزه های منابع نقلی دین، جلوی هر گونه فعالیت علمی و تجربی را بگیرد. بی شک چنین رویه ای قابل دفاع نیست و در دوگانه علم و دین انحصار طلب، این دین است که محکوم به شکست خواهد شد. اما اسلام نسبت به پیشرفت های علمی بسیار با روی گشاده برخورد کرده است و تفسیر طبیعت را حق دانشمندان می داند و با ارائه یک جهان بینی خاص، به مشاهدات علمی سمت و سوسو می بخشد. در میان دانشمندان اسلامی کمتر کسی را می توان یافت که علم را داخل در دین و جزئی از آن بدانند. البته برخی بر این اندیشه بوده اند که تمام علوم - حتی علوم تجربی مانند طب و ستاره شناسی - از قرآن انشعاب پیدا می کنند (غزالی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱-۳۳)، اما چنین نظریه ای رویکردی شاذ و در مقابل فضای غالب بین دانشمندان اسلامی است. مضافاً آنکه بعضی از متفکرین اسلامی با تأکید بر اینکه عقل در کنار کتاب و سنت یکی از منابع معرفت دینی به حساب می آید، با توسعه در معنای دین، وجهی برای نظریه تداخل علم در دین فراهم آورده اند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۷۱-۷۴ و ص ۱۰۹-۱۱۰).

### ۳-۱-۳. اهمیت علوم تجربی در اسلام

برخلاف ادعای هراری، دین اسلام به علوم تجربی احترام گذاشته و یگانه منبع معرفت را کتاب و سنت نمی شمارد، بلکه برای عقل و مشاهدات تجربی نیز ارزش و اعتبار قائل است. با مراجعه به

کتاب و سنت می‌توان صدق این مدعا را اثبات کرد. قرآن و روایات ائمه معصومین علیهم‌السلام در موارد متعددی ما را به تفکر در عالم طبیعت دعوت کرده‌اند. بیش از ۷۵۰ آیه در قرآن کریم وجود دارد که مردم و صاحبان خرد را به تفکر در عالم طبیعت دعوت می‌کند. آفرینش انسان (ذاریات، ۵۱، آیه ۲۰-۲۱)، خلقت حیواناتی مانند شتر (غاشیة، ۸۸، آیه ۱۷-۲۰)، زنبور (نحل، ۱۶، آیه ۶۸-۶۹)، آفرینش کوه‌ها، دریاها، آسمان و زمین و حرکت کشتی‌ها و ابرها (بقره، ۲، آیه ۱۶۴) بعضی از موضوعاتی هستند که در قرآن برای تفکر بیان شده‌اند. در برخی از توصیه‌های روایی نیز گفته شده که علم را بیاموزید، اگرچه در نقطه‌ای بسیار دور (چین) باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷۷) و اگر لازم است برای تحصیل علم به عمق دریاها بروید (حلوانی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۸). همچنین دستور داده شده که سخن حق و حکمت را بپذیرید؛ اگرچه گوینده آن مؤمن نباشد (رضی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۸۱). معجزات علمی قرآن مانند مراحل خلقت جنین - که تا قرن‌ها بشر به آن دست نیافته بود - (Moore.1983) و احتجاجات ائمه معصومین علیهم‌السلام با دانشمندان علوم تجربی و طبیعیان زمان خود (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۵۱۱-۵۱۲) از دیگر شواهد اهتمام دین اسلام به عالمان و علوم تجربی است.

این بیانات به خوبی نشان می‌دهد که هرچند از منظر اسلام، کتاب و سنت، منبع اصلی هدایت انسان‌ها هستند و در مواردی نیز در مورد وقایع طبیعی مطالبی را بیان کرده‌اند، اما این طور نیست که هرچه خارج از آن دو باشد باطل یا بی‌اهمیت باشد. اساساً علم وطن خاصی ندارد که تنها در یکجا قابل اصطیاد باشد. لذا خارج از قرآن و حتی در میان انسان‌های بی‌دین نیز ممکن است مطلب حقی وجود داشته باشد و اسلام ما را به فراگیری آن دعوت کرده است. البته هدف قرآن - به عنوان کتاب هدایت - و بیانات ائمه معصومین علیهم‌السلام آن است که انسان با مطالعه طبیعت علاوه بر شناخت خود و طبیعت به مطلب بالاتری نیز دست یابد و آن معرفت به خداوند و صانع هوشمندی است که عالم طبیعت را با همه عجایبش این چنین خلق کرده است. این در حالی است که هراری در آثار خود بر این مطلب کذب تأکید کرده که ادیان الهی و اسلام همواره خودشان را تنها مرجع علمی معرفی کرده‌اند و به آنچه بیرون از قرآن باشد وقعی ننهادند.

### ۳-۱-۴. اهمیت علوم تجربی میان مسلمین

از ماهیت هماهنگ اسلام با علوم تجربی که بگذریم، سیره عملی و حیات علمی دانشمندان اسلامی به خوبی گواهی می‌دهد که در سرزمین‌های اسلامی، دین و علم همواره با هم قرین بوده‌اند و در طول هفتصد سال (یعنی از قرن دوم تا نهم هجری قمری) تمدن اسلامی مرفی‌ترین تمدن در علمی مانند طب، داروسازی، ریاضیات، نجوم، شیمی و بسیاری علوم دیگر بوده است. دانشمندان

مسلمانی در جهان اسلام ظهور کردند که علاوه بر دانش‌های دینی در علوم تجربی و ریاضیات نیز از نوادر روزگار به حساب می‌آمدند و در تحولات علمی بسیار تاثیرگذار بوده‌اند. خوارزمی در جبر، خواجه نصیر الدین طوسی در نجوم و ساخت رصدخانه، ابن حوقل و بیرونی و ابن سینا در زمین‌شناسی و جغرافیا، ابن هیثم در نورشناسی، جابر بن حیان از شاگردان امام صادق علیه السلام در شیمی، ابن سینا در تحول علم طب و بسیاری از دانشمندان مسلمان دیگر که علاوه بر دانش دینی و اسلامی، از دانشمندان برجسته در علوم تجربی نیز به حساب می‌آمدند (نصر، ۱۳۷۳، ص ۱۲۱-۱۴۴).

□ مدارس دینی - برخلاف آنچه امروز دیده می‌شود - علاوه بر تعلیم قرآن و حدیث و اخلاق، به تعلیم علوم تجربی نیز می‌پرداختند. این‌گونه مدارس زمانی در جوامع اسلامی سر برآوردند که هنوز در غرب چیزی به اسم دانشگاه و پژوهشگاه‌های علمی دایر نشده بود. سال‌ها پیش از تأسیس قدیمی‌ترین دانشگاه‌های غرب (یعنی دانشگاه بولونی در ایتالیا در سال ۱۰۸۸ میلادی / ۴۸۱ هجری قمری و دانشگاه پاریس در سال ۱۱۷۰ میلادی / ۵۶۶ هجری قمری)، در جهان اسلام دانشگاه‌ها و مراکز علمی بزرگی مانند جامع الازهر در قاهره (۹۷۰ میلادی / ۳۶۰ هجری قمری) و نظامیه بغداد (۱۰۶۷ میلادی / ۴۵۹ هجری شمسی) وجود داشتند و این احتمال وجود دارد که دانشگاه‌های جدید غربی به‌نوعی از دانشگاه‌ها و جامع‌های جهان اسلام الگو گرفته باشند (اسعدی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷).

جوامع اسلامی در تکنولوژی دست برتر را داشتند و همین امر سبب انتقال تکنولوژی از شرق به غرب شد. به همین خاطر است که واژه‌های عربی مربوط به تکنولوژی در فرهنگ لغت‌های کشورهای اروپایی فراوان است. این واژه‌ها در ابتدا در زبان‌های ایتالیایی و اسپانیایی منعکس شدند و سپس به زبان انگلیسی راه یافتند. برخی از این واژه‌ها عبارت است از: Damask، به معنای حریر و مأخوذ از نام دمشق، Taffeta به معنای تایدیه و گرفته شده از واژه فارسی تافته، Arsenal به معنای قورخانه، برگرفته از واژه عربی دارالصناعه، Alembic به معنای ظرفی که برای تقطیر مایعات به‌کار می‌رود که مأخوذ از کلمه عربی الانبیق است، Alcohol به معنای الكل و متخذ از واژه عربی الکحل و بسیاری واژگان دیگر.

آشنایی اروپایی‌ها با تکنولوژی‌های جدیدی مانند ساعت وزنی با چرخ دنده جیوه‌ای، شیشه‌گری و بلورسازی، کاغذسازی، شبکه آب‌رسانی و دستگاه‌های آب‌کشی و همچنین استفاده از آتش و باروت در جنگ‌ها و سایر ابتکارات از طریق ارتباط با مسلمانان محقق شده است (اسعدی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵-۱۹۲). آنچه گفته شد، تنها گوشه‌ای از سازگاری کامل علم و دین در زمان گذشته است و برای ابطال این سخن که بی‌رونی ادعایی دین به خاطر آن است که ماهیت دین سر ناسازگاری با علم داشته و به همین خاطر به حاشیه رفته، کفایت می‌کند.

### ۳-۱-۵. چرایی کُند شدن حرکت علمی مسلمانان

امروزه دانشمندان اسلامی به موفقیت‌های علمی قابل توجهی رسیده‌اند. اما باید این واقعیت را باید پذیرفت که حرکت علمی مسلمانان نسبت به گذشته کُند شده است. عوامل مختلفی در این باره وجود داشته است که دو عامل از همه مهم‌تر است:

#### الف) استعمار

عامل اول، «استعمار» است که عاملی بیرونی به حساب می‌آید. غرب که دارای عقب‌افتادگی‌های علمی زیادی بود، در یک نهضت علمی تصمیم به جبران نقایص خود گرفت؛ تصمیمی که مقارن بود با کنار زدن دین و بسیاری از ارزش‌های اخلاقی. پس از تلاش‌های فراوان، جوامع غربی توانستند با به خدمت گرفتن علم و تکنولوژی، قدرت جدیدی به دست آورند. اما وجود چنین قدرتی برای جامعه‌ای که از اخلاق و معنویت تهی شده بود، می‌توانست بسیار نگران‌کننده باشد. آنها تنها به پیشرفت و توسعه مادی خود فکر می‌کردند. لذا علم و تکنولوژی را نه فقط برای درمان مریضی و افزایش محصولات کشاورزی، بلکه برای کشتار و استعمار ملت‌های دیگر به کار گرفتند. آنها با چپاول مستقیم ثروت‌ها، خود را ثروتمند می‌کردند و آن‌چنان بر جوامع غارت‌زده می‌تاختند که تا قرن‌ها نتوانند کمر راست کنند (الهی، ۱۳۷۵، ص ۶۶-۸۵؛ مگداف و کمپ، ۱۳۷۴، ص ۵۲-۵۳).

بنابراین آنچه اتفاق افتاد، به ظاهر یک پیشرفت چشم‌نواز در عرصه علم و تکنولوژی بود. اما در واقع پس‌رفتی عمیق در حوزه اخلاق و انسانیت به‌شمار می‌رفت. اما در دکتترین اسلام، حقوق ملت‌ها و انسان‌های دیگر محترم شمرده شده است و به همین خاطر، دانشمندان مسلمانان حتی در زمان شکوفایی علم و دانش تجربی هم به خود اجازه نمی‌دادند از علم سوء استفاده کنند (ر.ک به: محقق داماد، ۱۳۸۰).

#### ب) انحراف و دوری از تعالیم اسلامی

عامل دوم، «انحراف و دوری از تعالیم اسلامی» است که عاملی درونی به حساب می‌آید. عوامل بیرونی هر اندازه که قدرتمند باشند، تا زمانی که در درون رخوت و سستی وجود نداشته باشد، در رسیدن به مقاصد خود موفق نخواهند شد. به تعبیر قرآن کریم: «خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند» (رعد ۱۳)، (۱۱).

ضعف کشورها و دولت‌های اسلامی آنها را در برابر عوامل بیرونی بسیار آسیب‌پذیر ساخت و تا زمانی که به اصول و تعالیم اسلامی باز نگردند و در مقابل سردمداران فاسد خود نایستند، این عقب‌افتادگی اصلاح نخواهد شد.

### ۳-۲. کارآمدی دین برای انسان معاصر

ادعای هراری آن است که بشر توانسته بدون دین به پیشرفت‌های مهمی دست یابد و در این دوران، دین هیچ‌گونه ضرورت و جایگاهی در زندگی انسان معاصر ندارد. اما این ادعا ناشی از اغراق در توانایی بشر و همچنین فهم غلط از دین و بالتبع کارکردهای آن است.

### ۳-۲-۱. اغراق در پیشرفت‌های امروز بشر

به گفته هراری، علم با کنترل بیماری‌ها، مهار قحطی و جلوگیری از جنگ توانسته است دوران نوینی را بیافریند؛ کاری که انبیاء نتوانستند آن را انجام دهند. درست است که انسان معاصر با استعانت از علم توانسته به پیشرفت‌های مهمی دست یابد. اما بی‌شک آن تبیینی که هراری از موفقیت‌های علمی ارائه داده، پر از اغراق و به دور از واقعیت است. انسان توانسته است بسیاری از بیماری‌ها (مانند طاعون) را مداوا و کنترل کند. اما به همان میزان گرفتار بیماری‌های جدید و نوظهوری شده است که هر روز جمعیت زیادی را به کام مرگ می‌کشاند. در حال حاضر ۱۴۰۰ عامل بیماری‌زا وجود دارد که می‌تواند انسان را بکشد. در طول ۵۰ سال گذشته، عوامل بیماری‌زا نسبت به پنجاه سال گذشته ۴۰۹ برابر شده است که در میان آنها بیماری‌های همه‌گیر جهانی قابل توجه است (واتسون، ۱۳۹۸، ص ۲۰۸).

درواقع همواره علم از بیماری عقب‌تر است. هنوز دارو یا واکسن مناسبی برای یک بیماری پیدا نشده، بیماری و مشکل بعدی ظهور و بروز می‌کند و جان بسیاری را می‌ستاند. براساس اعلام سازمان بهداشت جهانی، از سال ۲۰۱۹ که کرونا (کوید ۱۹) در ووهان چین پیدا شد، تا اواخر سال ۲۰۲۱ میلادی با وجود اعمال همه سخت‌گیری‌های بی‌سابقه، نزدیک به ۲۶۰ میلیون نفر به آن مبتلا شده‌اند و بیش از ۵ میلیون نفر جان خود را از دست داده‌اند (Who, 2021). مضافاً آنکه علت بسیاری از بیماری‌های جدید خود انسان‌ها هستند. ویروس HIV از طریق ارتباط با گونه‌ای از شامپانزه‌ها در انسان پدید آمد و عامل شیوع آن، بی‌بند و باری‌ها و صنعت گردشگری جنسی بوده است (Gilbert, 2007, v107, p18568).

غرض آنکه اگر درست به اطراف خود نگاه کنیم، خواهیم دید که مریضی‌ها همچنان زندگی انسان را احاطه کرده‌اند و علم پاسخی برای آنها ندارد. پس این طور نیست که علم بر بیماری‌های واگیردار غلبه کرده، اما انبیاء نتوانسته باشند؛ زیرا اولاً دوگانه علم و دین از اساس اشتباه است و انبیاء جریان‌ی در مقابل علم نبودند. ثانیاً هرچند علم در درمان برخی بیماری‌ها به موفقیت‌هایی رسیده، اما در درمان بسیاری از بیماری‌ها نیز حرفی برای گفتن نداشته است.

واقعیت‌ها در مورد وضعیت دسترسی انسان‌ها به مواد غذایی و رفع قحطی و گرسنگی نیز چیزی

نیست که هراری بیان کرده است. براساس اعلام رسمی فائو (سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد)<sup>۱</sup> آمارهای امنیت غذایی وضعیت خوبی را نشان نمی دهند و افق روشنی نیز برای برون رفت از این مشکل دیده نمی شود. براساس تخمین ها تنها در سال ۲۰۲۰ چیزی در حدود ۷۲۰ تا ۸۱۱ میلیون نفر از جمعیت جهان، با گرسنگی مواجه بوده اند و این آمار روندی افزایشی به خود گرفته است. مضافاً آنکه به خاطر گران بودن غذاهای سالم، ۳ میلیارد از جمعیت کره زمین به رژیم غذایی سالم دسترسی ندارند (FAO, 2021).

همچنین جهان امروز اگر خشن تر از روزگار قبل نباشد، آرام تر هم نیست. قطعاً جهانی که در آن قدرت‌هایی با تکنولوژی‌های مهیب جنگی بروز کرده اند، بسیار خطرناک خواهد بود؛ به خصوص کشورهای با تکنولوژی پیشرفته جنگی که از به کار گرفتن تکنولوژی‌های بسیار مخرب جنگی برای حفظ موجودیت و قدرت خود ابا و امتناعی نخواهند ورزید. شاید در جهان امروز لشکرکشی‌ها و جنگ‌های فیزیکی به ظاهر کمتر شده باشد. اما این به معنای کمتر شدن خشونت و جنگ نیست. جنگ در دوران مدرن، معنایی متفاوت به خود گرفته است. اگر به لیست جنگ‌ها علاوه بر جنگ‌های سرد، جنگ‌های نوینی مانند جنگ شناختی (Cognitive Warfare)، جنگ سایبری (Cyberware)، جنگ اقتصادی (Economic Warfare)، تحریم (Sanction) و سایر انواع دشمنی و محاربه با ملت‌های دیگر را بیفزاییم، ملاحظه خواهیم کرد که جهان امروز ما چیزی جز یک صحنه نبرد تمام‌عیار نیست.

### ۲-۲-۳. موفقیت‌های انبیاء

ناموفق جلوه دادن انبیاء در زندگی دنیایی، به خاطر عدم توجه به ماهیت اختیاری بودن ایمان در دعوت انبیاء صورت گرفته است. اکثر انبیاء - که در میان جوامع ظالم و منحرف مبعوث می شدند تا با دلیل و استدلال (نه زور و غلبه) مردم را به سوی حق دعوت کنند - در زمان خود توسط مشرکان و کافران با مخالفت و ستم روبرو بودند و به همین خاطر امکان تشکیل حکومت از آنها سلب می شد. اما آن انبیائی که به حکومت رسیدند، کارنامه‌ای درخشان از خود به جای گذاشتند. حضرت یوسف با درایت خویش مردم مصر را از قحطی بزرگ نجات داد و جامعه مصر را متحول ساخت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۳۶۹-۳۷۳)، حضرت سلیمان و داود حکومتی مقتدر، فراگیر و عادلانه تشکیل دادند (رعد، ۳۸)، ۳۵-۳۸؛ انبیاء، ۲۱، آیه ۷۸-۸۲) و پیامبر گرامی اسلام نیز با همه مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، در ابتدا حکومتی منسجم در مدینه بنیان نهاد (حسن‌اللهی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷-۲۵۲) و با اجرایی ساختن دستورات خدای متعال و احکام دین، قلمرو حکومت عدل الهی را به

1. FAO; (Food and Agriculture Organization of the United Nations).

مرور گسترش داد. ثمره این حکومت آن بود که علاوه بر ایجاد تحول‌های عظیم علمی و معنوی، به مسلمین عزت و قدرت متمایزی بخشید (جعفر عاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۷۱-۲۶۳).

### ۳-۲-۳. کارکردهای مختلف دین

مسئله اساسی درباره کارکردهای دین آن است که در مرحله اول بینیم انسان چه ابعاد وجودی و چه نیازهایی دارد و در مرحله بعد بررسی کنیم که دین الهی کدام یک از این نیازها را می‌تواند تأمین کند. لذا طبقه‌بندی نیازهای انسان ارتباط مستقیمی با مباحث انسان‌شناختی دارد. کسی که انسان را کاملاً مادی می‌داند، نیازهای او را محدود به نیازهای زیستی و فیزیولوژیکی (مانند نیاز به آب و غذا و جنس مخالف) خواهد دانست. بعضی با قدری توسعه، نیازهای روانی را نیز اضافه کرده‌اند. نیازهایی مانند پیشرفت، سلطه‌طلبی، تحقیق‌گریزی، مهرورزی، نظم، فهم و مواردی از این دست، از جمله نیازهای روانی انسان به‌شمار می‌روند که عمدتاً در حیطه زندگی مادی تبیین و توضیح داده می‌شوند. اما انسان موجودی دو بُعدی است و همین امر ایجاب کرده است که برخی روان‌شناسان نیازهای معنوی انسان را مورد توجه قرار دهند. براساس آزمایش‌های انجام‌گرفته، انسان‌ها علاوه بر نیازهای زیستی و روانی صرفی مانند عشق و ارتباط با دیگران، از یک‌سری نیازهای برتری مانند نیاز به مذهب، دین، عبادت، پرستش و ارتباط معنوی با خداوند برخوردارند (شجاعی، ۱۳۸۶، ص ۹۰-۹۳). هراری نیز در آثار خود پذیرفته است که علی‌رغم افزایش رفاه مادی در کشورهایمانند آمریکا، رفاه معنوی، افزایش نیافته و این مسأله به یکی از کمبودها و چالش‌ها تبدیل شده است (هراری، ۱۳۹۷/ب، ص ۹۷-۹۸).

نیازهای معنوی انسان طیف وسیعی از احتیاجات بشر را در خود جای می‌دهد و باید به‌دنبال منبعی برای تأمین آنها بود. بی‌شک آموزه‌های دینی در راستای سلامت معنوی بسیار راه‌گشا و نتیجه بخش هستند. یونگ با بررسی‌های خود به این نتیجه رسیده که اعتقاد و التزام به دین الهی می‌تواند به‌طور فزاینده‌ای در «سلامت معنوی» اثرگذار باشد. کسانی که از دین فاصله گرفته‌اند، در واقع خود را از این سنگر محروم کرده‌اند و از این جهت آسیب‌پذیرتر هستند؛ چراکه این‌گونه افراد درد را در خود می‌یابند، اما خود را در درمان آن تنها می‌بینند (یونگ، ۱۳۸۲، ص ۳۹-۵۹). دین با محدود ندانستن زندگی به حیات مادی، به زندگی معنا می‌بخشد (Malinowski, 1948, 933-34) و با شناساندن خدایی مهربان و توانا که هم‌نشین و نزدیک به بندگانش است، انسان مؤمن را از حس‌تنبهایی می‌رهاند و از او شخصیتی مقاوم و بردبار در برابر ناملازمات زندگی می‌سازد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۹۶).

علاوه بر تأمین نیازهای معنوی و روانی، کارکردهای دیگری نیز برای دین وجود دارد. ارائه قانون

عادلانه، پیشگیری و کاهش بزه‌کاری و ایجاد همبستگی ملی از کارکردهای حقوقی دین به حساب می‌آید (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱-۱۳۷ و ۱۶۹-۱۸۷). همچنین دین می‌تواند در علوم تجربی نیز نقش آفرین باشد. پس از آنکه علم کشف کرد چه روابط علی - معلولی بین موجودات وجود دارد، به دنبال ابزارسازی، تولید و به‌کار بستن دانش خود می‌رود. اما اینکه چه رویکردی در تولید و به‌کار بستن علم لحاظ شود، خارج از حیطه و توان علم است. در چنین موقعیتی بهترین چیزی که می‌تواند با خط‌دهی مناسب به تولیدات علمی جهت دهد و جلوی افراط و تفریط‌ها را بگیرد، همانا دین حق و ایدئولوژی برآمده از آن است. به‌عنوان مثال، علم فیزیک ما را نسبت به قدرت خارقالعاده در ذرات اتم آگاه می‌کند. علم پس از این کشف بر ابزارسازی و ساخت بمب‌های اتمی و سلاح‌های کشتار جمعی قادر خواهد بود و حتی می‌تواند این تسلیحات را به‌کار بگیرد. اما در نگاه دینی مثل اسلام، ساخت و خصوصاً استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی حرام است (خامنه‌ای، ۱۴۰۰) و این رویه باعث می‌شود علم فیزیک به جای صنایع بمب‌سازی، صرفاً به استفاده‌های صلح‌آمیز آن (مانند نیروگاه‌های برق هسته‌ای و پزشکی هسته‌ای) محدود بماند. بنابراین دین یکی از ضروریات زندگی مادی است و اتفاقاً بسیاری از بحران‌های امنیتی، زیستی و اخلاقی بشر به‌خاطر دوری از هدایت‌های دین است.

#### ۴. رویش گرایش‌های جدید به دین

با روی کار آمدن مدرنیته، از نیمه دوم قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، علم بدون دین تنها مرجع رسمی در محافل علمی و زندگی بشر شد. اما با گذشت زمان معلوم شد که اشکالات متعددی دامن‌گیر چنین رویکردی است (هیکس، ۱۳۹۱، ص ۱۰۱). شاید از همه مهم‌تر، عدم تحقق شعارهای پر زرق و برقی مانند آزادی، احترام به انسان‌ها، عدالت، پیشرفت و ... بود که مدرنیته سخاوتمندانه وعده عملی کردن آنها را داده بود. انسان‌ها در این دوران گرفتار بحران‌های جدید و بلکه بزرگ‌تری شدند. وقوع جنگ‌های جهانی اول و دوم با ده‌ها میلیون کشته و زخمی، فاصله طبقاتی و بحران‌های اقتصادی تنها گوشه‌ای از دنیایی بود که علم تجربی برای انسان به ارمغان آورده بود. همین مسأله باعث شد که علم‌باوری افراطی مورد نقد و تردید قرار بگیرد (بیات، ۱۳۸۱، ص ۱۰۷) و طیف‌های مختلفی از اندیشمندان راه پیموده‌شده را بیراهه‌ای به سوی نابودی بشر بدانند (رویل، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹-۱۸۹). طبیعی است که در چنین شرایطی، دین‌ستیزی و علم‌باوری افراطی رنگ ببازد و گرایش‌های جدیدی به سوی دین به‌وجود آید.

آمارها تأیید می‌کنند که تمایل به دین در دانشمندان رو به افزایش است (باربور، ۱۳۹۷، ص ۲۱-۲۲) و شواهدی نیز بر این مسأله وجود دارد. اما رسانه‌ها تمایلی برای انعکاس این‌گونه مطالب از

خود بروز نمی‌دهند و به همین خاطر، این تحول مهم کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در یک نظرسنجی از ۱۰۰۰ دانشمند، چهل درصد از ۶۰۰ نفری که به پرسش‌نامه پاسخ داده بودند، اذعان کرده بودند که خدا باور هستند. البته برخی معتقدند که آمار واقعی از این هم بیشتر است. در حالی که طبق نظرسنجی‌ها و تصورات رایجی که در ابتدای قرن بیستم میلادی وجود داشت، گمان می‌رفت در آینده و با پیشرفت بیشتر علم، بی‌اعتقادی به خداوند افزایش خواهد یافت. ولی این پیش‌بینی هرگز محقق نشد. در زمان گذشته، بُردن نام خداوند در محیط‌های علمی خلاف مُد بود و این‌گونه مباحث، مخاطب خاصی نداشت. اما امروزه شرایط تغییر کرده است. بسیاری از اندیشمندان به مباحث علم و دین توجه و عنایت دارند، دانشگاه‌های مطرحی مانند آکسفورد و کمبریج برای این‌گونه مباحث بودجه تعریف می‌کنند و مؤسسات مختلفی برای این منظور تشکیل شده‌اند. طبق برآوردهای مجله *New scientist*، درس علم و دین پُر رشدترین رشته علمی بوده است. گرایش عمومی به مسأله خدا باوری نیز به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. لذا فیزیک‌دانان و کیهان‌شناسان در عنوان کتاب‌های خود، نام خدا را می‌گنجانند تا با اقبال بیشتری مواجه شود؛ حتی اگر درون کتاب کاری به خدای سنتی نداشته باشند.<sup>۱</sup> اینها نشانه‌هایی است که اثبات می‌کند علم نمی‌تواند جای دین سنتی را بگیرد و به همین خاطر تمایلاتی برای همراه کردن علم و دین در میان دانشمندان پدید آمده است. اساساً دین و علم همواره باهم بوده‌اند و فراقی که بین آنها ایجاد شده، مسأله‌ای عارضی است. لذا بعید نیست که در آینده قربت علم و دین بسیار بیشتر نیز بشود (گلشنی، ۱۳۸۰، ص ۵۶-۶۲).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تلاش‌های فراوانی انجام شده است تا حقانیت دین به زیر سؤال برود. هراری همسو با پروژه الحاد نوین تلاش دارد از منظری جدید، دین را اسطوره‌ای ساختگی بخواند تا با این کار آن را در کنار خرافه‌ها و افسانه‌ها بنشانند. اما دین حقیقی در برابر خرافات بوده و همیشه جلودار مقابله با آن بوده است. دین - به‌خصوص دین حقیقی مثل اسلام - علم را بسیار ارزشمند دانسته و با بیانات مختلف، مسلمین را به فراگیری آن دستور داده است. دین اسلام با محدود نداشتن علوم به قرآن و سنت، برای علوم تجربی نیز ارزش و اهمیت قائل است؛ چنان‌که سیره عملی پیامبر اسلام □ و مسلمانان، شاهدی بر این مدعا است. به‌علاوه، دین می‌تواند در تأمین نیازهای روانی و معنوی و حتی در جهت‌دهی به یافته‌های تجربی و بهبود زندگی دنیایی نقش بی‌بدیلی را ایفا کند. با وجود چنین

۱. به‌عنوان مثال می‌توان اشاره کرد به کتاب‌هایی با نام:

"God and the New Physics" "The mind of God" "The God Particle"

جهاتی در دین نمی‌توان بی‌رونتی ادعایی در مورد دین را ناشی از تقایص ذاتی خود دین دانست. بلکه این انحرافی است که در زندگی انسان‌ها ایجاد شده و بشر نیز تاوان آن را پرداخته است. بنابراین نمی‌توان با استناد به انحرافات و ضعف‌هایی که در میان برخی پیروان ادیان وجود دارد، اصل دین را که حقیقتی مستقل از دینداران دارد- ذاتاً ناقص دانست و آن را به مطالبی که اصلاً ریشه‌ای در متون دینی ندارد متهم ساخت.

## کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال (ج ۲). قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۵). النفس من کتاب الشفاء. به تحقیق علامه حسن زاده آملی. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. اسعدی، مرتضی (۱۳۷۷). ایران اسلام تجدد. تهران: طرح نو.
۴. الهی، همایون (۱۳۷۵). امپریالیسم و عقب‌ماندگی. چاپ سوم. تهران: قومس.
۵. باربور، ایان (۱۳۹۷). دیدار دانش و دین. ترجمه یوسف نوظهور و حسن اکبری بیرق. تبریز: فروش.
۶. برت، ادوین آرتور (۱۳۶۹). مبادی مابعدالطبیعی علوم نوین. تحقیق: عبدالکریم سروش. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی و مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۷. بیات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱). فرهنگ واژه‌ها. قم: مؤسسه اندیشه فرهنگ دینی.
۸. پترسون، مایکل و دیگران (۱۳۹۸). عقل و اعتقاد دینی. چاپ هشتم. تهران: طرح نو.
۹. جلالی حسینی، سید لطف‌الله (۱۳۹۵). مدخل «علم و دین» از کتاب مباحثی در کلام جدید. چاپ دوم. با تحقیق علی شیروانی و همکاران. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). منزلت عقل در هندسه معرفت دینی. چاپ چهارم. با تحقیق احمد واعظی. قم: اسراء.
۱۱. حسن اللهی، منوچهر (۱۳۸۶). نگاهی به سیره پیامبر اعظم. قم: بوستان کتاب.
۱۲. حلوانی، حسین بن محمد (۱۴۰۸ق). نزهة الناظر و تنبيه الخاطر. قم: مدرسة الإمام المهدي علیه السلام.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۴۰۰ق):  
<https://farsi.khamenei.ir/treatise-content?id228>
۱۴. رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. با تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.
۱۵. روپل، نیکلاس (۱۳۸۸). ژآک دریدا. پویا ایمانی. تهران: مرکز.
۱۶. سبحانی‌نیا، محمد (۱۳۸۷). کارکرد دین در زندگی بشر. قم: بوستان کتاب.
۱۷. شجاعی، محمدصادق (پاییز و زمستان ۱۳۸۶). نظریه نیزهای معنوی از دیدگاه اسلام و تناظر آن با سلسله نیازهای مازلو. دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۱ (۱)، ص ۸۷-۱۱۶.
۱۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۷). اصول فلسفه رئالیسم. قم: بوستان کتاب.

۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۸). شیعه در اسلام. چاپ پنجم. قم: بوستان کتاب.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۵). چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
۲۱. عاملی، مرتضی جعفر (۱۴۱۵ق). الصحیح من سیره النبی الاعظم (ج ۴). چاپ چهارم. بیروت: دارالهادی - دارالسیره.
۲۲. غزالی، محمدبن محمد (۱۴۰۹ق). جواهر القرآن و درره. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۳. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ج ۱-۸). چاپ چهارم. با تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. کیویت، دان (۱۳۷۶). دریای ایمان، ترجمه حسن کامشاد. تهران: طرح نو.
۲۵. گلشنی، مهدی (۱۳۸۰). از علم سکولار تا علم دینی. چاپ دوم: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار (ج ۱). چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۷. محقق داماد، سید مصطفی (بهار ۱۳۸۰). امام علی علیه السلام و حقوق بشر. کتاب نقد، ش ۱۸، ص ۱۵۰-۱۹۳.
۲۸. مگداف، هاری و تام کمپ (۱۳۷۴). امپریالیسم تنور - تاریخ - جهان سوم. چاپ دوم. تهران: کویر.
۲۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۸). الحکمة المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة جلد ۸، قم: مکتبه المصطفوی.
۳۰. نصر، سید حسین (۱۳۷۳)، جوان مسلمان و دنیای متجدد. با ترجمه مرتضی اسعدی. تهران: طرح نو.
۳۱. واتسون، ریچارد (۱۳۹۸). پیش‌بینی‌های آینده. با ترجمه سید حامد عاملی. اردبیل: عنوان.
۳۲. هراری، یووال نوح (۱۳۹۷/الف). انسان خردمند؛ تاریخ مختصر بشر. چاپ دوازدهم. نیک گرگین. تهران: فرهنگ نشر نو.
۳۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷/ب). انسان خداگون؛ مختصری بر تاریخ فردا. نیک گرگین. تهران: طرح نقد.
۳۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۹۷/ج). ۲۱ درس برای قرن ۲۱. چاپ دوم. سودابه قیصری. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

۳۵. هیکس، استیون (۱۳۹۱). توضیح پست مدرنیسم. با تحقیق خاطره ظهرابی و فرزانه احسانی. تهران: پژواک.

36. Fao (2021). <https://www.fao.org/state-of-food>

37. Harari, Yuval Noah (2021). <https://www.ynharari.com/about>.

38. Malinowski, Bronislaw, (1948), *Magic, Science and Religion and Other Essays*. Glencoe, Illinois: The Free Press.

39. Moore ,Keith. and others (1983), *The Developing Human with Islamic Additions*, 3rd ed.

40. Gilbert, P, Thomas. and others, (2007), *The emergence of HIV/AIDS in the Americas and beyond*, vol. 104. P 18566-18570, <https://www.pnas.org/content/18566/47/104>

41. Who (2021). <https://covid19.who.int>.

